

17 ARALIK 1993

081806
HABEŞ EYALETİ

267 ORHONLU, Cengiz: Osmanlı İmparatorluğunun güney siyaseti. Habes eyaleti. İstanbul 1974 Edebiyat Fakültesi Matbaası. XXVII+319 s.
8° 6 harita. F. 59 TL.

«İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Yayınları Nu. 1856»

199 KASIM 1997

- Habes Eyaleti

MUNZINGER, W. Die nordöstlichen Grenzländer von Habesch. Zeitschrift für allgemeine Erdkunde, n.F., 3 (1857), 177-205.

رأس الموضوع : العالم العربي - تاريخ - العصر العثماني
رقم التصنيف : ٩٠٣ر٢٠٣ح/ر

١٥

جامعة الأزهر
كلية اللغة العربية
قسم التاريخ
٠٨١٨٥٦

ولاية الحبش في العصر العثماني
١٢٢٠ - ١٣٢١هـ / ١٨٠٥ - ١٩٠٣م *

الباحث

محمد بن جمعة محمد كادكا الخاصدي

إشراف

الأستاذ الدكتور/ السيد محمد حسن الدقن

١٤١٦هـ / ١٩٩٥م

مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية
King Faisal Center for Research and Islamic Studies



دليل الرسائل الجامعية للباحثين السعوديين في الجامعات والمعاهد المصرية

رسائل الدكتوراه

الجزء الرابع

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	231684
Taa. No:	017.49538 DELİR

إعداد

الدكتور سليمان بن عبد الرحمن العفري

١٤٢٦هـ / ٢٠٠٥م

KİTAP DEĞERLENDİRİLMİŞTİR
KİTAP OLARAK OKUNAMAZ

22 Mayıs 2015

تاریخ جدید اگادن از ۱۸۸۷م آغاز می‌شود. در این سال امپراتور وقت اتیوپی، پدر هیلاسلاسی آخرین پادشاه آن سرزمین فرمان تصرف اگادن را صادر کرد. ولی در همان زمان کشورهای استعمارگر اروپایی یعنی انگلیس، فرانسه و ایتالیا به تصرف شاخ افریقا پرداختند و در سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰م متصرفات آنها به موجب قراردادهایی از لحاظ بین‌المللی مسجل گردید، اما مرزهای میان متصرفات این کشورهای اروپایی با دقت مشخص نگردید و همین امر تنشهایی به وجود آورد که از آن جمله می‌توان سانه‌مرزی ولوال^۱ را نام برد که در دسامبر ۱۹۳۴م/۱۳۱۳ش به وقوع پیوست. در این درگیری نخست برخوردی میان سربازان اتیوپیایی و نیروهای ایتالیایی در ولوال رخ داد که در نتیجه آن ایتالیا به بهانه اینکه ولوال جزئی از خاک سومالی است، به اتیوپی حمله برد و تمام آن کشور را به تصرف درآورد و اختیار سرزمین اگادن را به دست گرفت. تا اینکه در پایان جنگ جهانی دوم و شکست ایتالیا، امپراتور اتیوپی به کشور خود مراجعت کرد و اگادن که از ۱۹۴۱م/۱۳۲۰ش در اشغال نظامی انگلستان بود، در ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش به اتیوپی برگردانده شد. ولی این امر صرفاً روی کاغذ بود و تخلیه واقعی این سرزمین در ۱۹۵۴م عملی گردید (کرون، ۲۳۹).

در ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش متصرفات ایتالیا و انگلستان در شاخ افریقا استقلال یافتند و از اتحاد آنها جمهوری سومالی تشکیل شد که ادعای خود را بر اگادن به عنوان بخشی از سرزمین سومالی اعلام نمود. از آن تاریخ اگادن یکی از ۵ سرزمینی در نظر گرفته شد که پرچم ستاره ۵شاخه جمهوری سومالی را تشکیل می‌داد. بدین‌گونه جمهوری سومالی با احساسات ملی شدید همواره آرزوی تصرف اگادن را در سر می‌پروراند تا در ۱۹۶۴م کار به بروز اولین جنگ میان سومالی و اتیوپی کشید، ولی در آن جنگ فشار بین‌المللی مانع از پیشرفت قوای اتیوپی شد و قرارداد خرطوم که در بهار همان سال منعقد گردید، وضع موجود را تأیید کرد. پس از سقوط امپراتور هیلاسلاسی در ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش جبهه آزادی‌بخش سومالی در صدد برآمد تا با استفاده از ضعف اتیوپی، اگادن را به تصرف درآورد و در ۱۹۷۷م به اتیوپی حمله ور شد. در این مبارزه پیروزی سومالی نزدیک به نظر می‌رسید، ولی اتیوپیاییها با کمک شوروی که از حکومت مارکسیستی اتیوپی حمایت می‌کرد - و سومالی را که تا ۱۹۷۰م متحد آن بود به حال خود رها کرده بود - موفق شدند که سرنوشت مبارزه را به نفع خود تغییر دهند. آنان با استفاده از سلاحهای شوروی و حمایت ۸ هزار نفر از واحدهای نظامی کوبایی (کلیر... XVIII/72) جبهه آزادی‌بخش و نیروی نظامی سومالی را که در ۱۹۷۸م وارد جنگ شده بود، شکست دادند و بدین ترتیب مسأله اگادن که تا آن زمان مسأله‌ای محلی بیش نبود، جنبه بین‌المللی پیدا کرد و سومالی برای مقابله با مشکل نگاهداری پناهندگان که شمار آنان در ۱۹۸۰م بالغ بر ۷۰۰ هزار تن برآورد شده بود (آمریکانا، XX/650)، از دولتهای

اولیا چلی، محمد، سیاحتنامه، به کوشش احمد جودت، استانبول، ۱۳۱۴ق؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، قاهره، ۱۹۵۹م؛ نکسه، شارل، کوچوک آسیا، ترجمه علی سعاد، استانبول، ۱۳۴۰ق؛ خوری، سلیم، آثار الادهار، بیروت، ۱۸۷۵م؛ سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م؛ نیز:

Census of Population 1990, State Institute of Statistics, Ankara, 1991; EI²; Reclus, E., Nouvelle géographie universelle, Paris, 1884; YA; Yeni Türk ansiklopedisi, Istanbul, 1985.

اگادن، ناحیه‌ای وسیع و نیمه بیابانی در منتهی‌الیه جنوب شرقی اتیوپی که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اگادن فلاتی است تقریباً ۴ گوشه («فرهنگ...»)، (649) که اضلاع آن را رود شبلی در جنوب غربی، خط مرز جمهوری سومالی با اتیوپی در جنوب شرقی و شمال شرقی تشکیل می‌دهد.

فلات اگادن از طبقات آهکی، گچ و ماسه‌سنگهای مربوط به دورانهای ژوراسیک و کرتاسه تشکیل شده است و با شیب اندکی از شمال به جنوب امتداد دارد. در وسط این فلات رود فافان مسیر خود را بریده، در فاصله‌ای نه چندان دور از رود شبلی در رسوبات آهکی فرو می‌رود (همانجا). علاوه بر این رود، راه آبهای عمیقی با شیب تند، بریدگیهایی («کانیون» مانند (دره) در این سرزمین به وجود آورده‌اند («دائرة المعارف ایتالیانا»)).

آب و هوای اگادن بیابانی و گرم با متوسط دمای سالانه ۳۰ سانتی‌گراد و باران آن ناچیز و نامنظم است که در فصول گرم سال می‌بارد و میزان آن از ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر در سال تجاوز نمی‌کند («فرهنگ»، همانجا؛ گرو، 170؛ کوک، ۴۳۶). قسمت اعظم سرزمین اگادن را بوته‌های خار پوشانده که در میان آن گه گاه علفزارهایی مشاهده می‌شود و همین گیاهان مبنای زندگی کوچندگان است که با احشام خود در این منطقه فقیر از مرتعی به مرتع دیگر رفت و آمد می‌کنند («فرهنگ»، همانجا). بیشتر ساکنان اگادن را کوچندگان سومالی تشکیل می‌دهند که به گروههای دارود و اگادن (قبیله بزرگی که نام آن بر ناحیه گذارده شده است) تعلق دارند. این کوچندگان از اگادن به سومالی رفت و آمد دارند، زیرا مرز میان اتیوپی و سومالی، چنانکه باید، مشخص نشده است (گرو، 173). بخشی از نواحی حاشیه‌ای اگادن مانند ناحیه جی جیگا^۲ و دره رود شیبیل زیستگاه کشاورزانی است که از سومالی یا جاهای دیگر اتیوپی به آن سرزمین مهاجرت کرده‌اند.

مردم اگادن که شمار آنان در ۱۹۶۹م/۱۳۴۸ش ۱۵۲ هزار نفر برآورد شده است (کوک، ۵۱۸)، از نظر نژادی به تیره‌های سومالی دارود ارتباط دارند و به دو شاخه اصلی منقسم می‌گردند، یکی مقبول^۳ با قبایل اصلی دوگاد و ابراهیم مکاهیل، و دیگری مییر ولال^۴ که از قبایل آن عبدالله تلمگا^۵ و یر عبدالله را می‌توان نام برد («دائرة المعارف ایتالیانا»)).

الموضوع : النص الملكي في تاريخ الحبشة خلال عصرى الامبراطورين زره

يعقوب (١٤٣٤-١٤٦٨) وابنه بنو ماريام (١٤٦٨-١٤٧٨)

: ترجمة ودراسة تحليلية .

إعداد : مجدي عبد الرازق سليمان بطران

إشراف : أ.د. محمد خليفة حسن

م.ك : ١٦/٤/١٩٩٨

الدرجة دكتوراه

Mecelletu Külliyyeti'l-Âdâb [Camiatü'l- Kahire],
Cild 58, Aded 3, 1998 Kahire, s.....

تحتوى هذه الرسالة على أربعة أبواب ؛ اختص الباب الأول منها بوصف النص الحبشى للأوضاع السياسية والدينية فى عصر زره يعقوب . ويتناول الفصل الأول من هذا الباب الأوضاع السياسية فى عصره . ويناقش الباب كيفية وصول زره يعقوب إلى عرش أثيوبيا والتنظيمات الإدارية التى قام بها وصراعه مع الممالك الإسلامية واليهود وأده لكل ثورات الداخل وعلاقاته الخارجية مع أوروبا ومصر على وجه الخصوص ، وقد أشارت الرسالة فى نتائجها إلى أن شهره الفائقة التى نالها هذا الملك نبعت من قدرته على جمع كل السلطات فى يده وإقامته لمجموعة من التنظيمات الإدارية لم يسبقه إليها غيره . كما جاءت شهرته من نجاحه الواضح فى حروبه مع مسلمى عدل وهدية بصورة غيرت ميزان القوى فى بلاده . غير أنه لم يصل إلى نفس النجاح فى صراعه مع اليهود رغم تسميته بمبيد اليهود ، كما نجح فى وأد كل ثورات الداخل فى مهدها والتى جاءت من أقرب الناس إليه ، أولاده وموظفوه .

كما يشير النص إلى أسبقية زره يعقوب فى الاتصال بالخارج : أوروبا واتجاهه إلى كنيسة روما فى سابقة جديدة رغم ارتباطه الأزلى بالكنيسة القبطية ، وتهديداته لمصر فى خطابه اعتمادا على ضعف سلاطين المماليك آنذاك .

أما دراسة المحتوى الدينى للنص فى عصره فقد أشارت إلى زره يعقوب الراهب فى ثوب ملك استطاع بثقافته الدينية ودهائه السياسى أن ينقذ كنيسة بلاده من الانشقاق وأن يخمد كل الثورات الدينية فى مهدها ويحسم الصراع فى الأديرة، وأن يدخل مجال التأليف الدينى ليكتب ما يقرب من عشرة مؤلفات دينية ناقشنا مضمونها خلال الدراسة وأمكن لنا

MADE YAYINLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

30 EYLÜL 2000

* الحَبَشُ * HABES EYALETİ

* الحَبَشُ بالسَّجْدِ فِي يَوْمِ عِيدِ -

انظر : الميِّد

* مَرِيَّةُ عَلْقَمَةَ بْنِ مَحْرَزٍ إِلَى

الْحَبَشَةِ -

بد - ج ٢ ق ١ ص ١١٧

* اِزْرًا كَمَا الْحَبَشُ مَا تَرَ كَوَاكِمَ

بد - ك ٣٦ ب ١١ و ٨

حم - خامس ص ٣٧١

انظر أيضاً : التُّرْكُ

WENSINCK AREN JEAN, MIETAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 140 DİA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مع = سنن ابن ماجه، مي = سنن
 الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
 هشام، قد = مغازي الواقدي

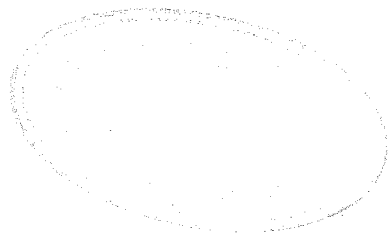
nephew of Ibrāhīm al-Rashīd (see above). Al-Rashīd left no sons and after his death, it was his nephew who led the Rashīdiyya. In about 1887, for reasons that remain obscure, the order became known as the Ṣālīhiyya (in the Sudan, it continues to be known as Rashīdiyya). As such the order spread to northern Somalia, where its most famous *khalīfa* was, of course Muḥammad ʿAbd Allāh Hasan, the author or subject of several of the manuscripts described in the preceding article. The order also spread to Malaysia.⁸

MS 25

‘(d) Muḥammad Ṣabrī: Account of the Egyptian penetration of the Horn of Africa (this is most probably based on a published work by an Arab writer).’

This is almost certainly extracted from one of Professor M. Sabry’s works. Professor Sabry, an Egyptian historian active in the 1930s and 40s, wrote numerous works in both Arabic and French on Egyptian imperialism in the Sudan and northeast Africa generally. Among his major French writings are *L’empire égyptien sous Mohamed-Ali et la question d’orient*, Paris 1930, and *Le Soudan égyptien (1821–1898)*, Cairo 1947.

R.S. O’Fahey



⁸ See further: Karrar, *op. cit.*, 109–10; O’Fahey, ‘Ahmad ibn Idrīs’, 79–81 and Hamdan Hassan, *Tarekat Ahmadiyah di Malaysia*, Kuala Lumpur 1990, 52–104 (in Malay).

MADE IN MALAYSIA
SONRA GELIM DOKURAN

FROM SLAVES TO BENEFACTORS: THE ḤABASHĪS OF MAMLŪK CAIRO*

CARL F. PETRY

This essay is based on an analysis of two kinds of source in Arabic which, though disparate, developed into highly elaborate forms during the Mamlūk period in Egypt and Syria (1250–1517 CE). These were the *qāmūs tarājim* or biographical dictionary, and the *waqfiyya* or deed of charitable endowment. The former evolved from simple registers (*tabaqāt*) of persons known to have transmitted *ḥadīths* of the Prophet, first appearing in the early centuries of the Muslim era. By the high and later Middle Ages, these registers, that initially provided brief, stylized evaluations of *ḥadīth* transmitters, had matured into a distinctive genre of historical writing, in which bureaucratic service, literary or scholastic accomplishment, and pious stature for thousands of individuals living in a particular time or locale were discussed in minute detail. The *waqfiyya*, by contrast, is an archival document, a legal instrument specifying the establishment of a charitable foundation, its functional objectives, and the sources of its fiscal maintenance. The essay attempts to show how these sources offer new data about the status of a special category of persons from Sudanic Africa who attained prominence in the Mamlūk Sultanate.

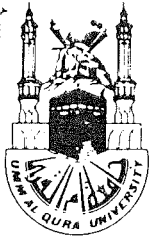
Students of the Muslim Middle Ages are familiar with several classes of individuals who served ruling elites in the major principalities. Few of these groups acquired more influence than Sudanese clients of military officers in Egypt and Syria during the fourteenth and fifteenth centuries CE (eighth and ninth centuries AH). Described in the biographical literature as *Ḥabashīs*

* This paper originally formed my contribution to ‘The Cloth of Many Colored Silks: a Gift of Friends to honor Ivor Wilks’, an unpublished felicitation volume presented to Ivor Wilks at Northwestern University on 22 May 1993.

Sudanic Africa, 5, 1994, 57–66, Bergen

D. 1677

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



كلية الشريعة والدراسان الإسلامية

نص قديم حول علاقة الحبشة
بالدولة الإسلامية
في عهد عثمان بن عفان

الدكتور
محمد بن عبد البر البدر السعدي

Mecelleto Külliyesi's-Periati ve'd-Dirasati'l-
İslamiyye, sene: VI / sayı: 6 (1402-1403)

Mekke, s. 179-189.

10.443



02 TEMMUZ 1997

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1935 — 1936

İtalya — Habeş harbi

Başlıca muharebeleri hakkında bir
tetkik ve alınan dersler

Yazan:

Kur. Bnb. Kadri Perk



MALİYE BAKANLIĞI
SONRA GİZLEN DOKÜMAN

1940

الموضوع : النص الملكي فى تاريخ الحبشة فى عصر الإمبراطور
جلاوديوس ١٥٤٠-١٥٥٩ م ، ترجمة ودراسة تحليلية .

إعداد : منال عبد الفتاح محمود عبد الله

إشراف : أ.د. محمد خليفة حسن

أ.د. عمر صابر عبد الجليل

م.ك : ١٦ / ٤ / ١٩٩٨

الدرجة ماجستير

والعبرية ، واليونانية ، والأمهرية ، وقد أسفر البحث عما يلي : ١ - تعصب الأحباش الأعمى
ضد من يخالفهم فى مذهبهم . ٢ - عدم اهتمام الأتراك بالحبشة سوى لرغبتهم فى السيطرة
الكاملة على موانئ البحر الأحمر ومنافسة البرتغاليين فيه . ٣ - كان الهدف الأول
للبرتغاليين من تقديمهم المعونة العسكرية للحبشة هو فرض المذهب الكاثوليكي عليها وكذلك
سيطرتهم على ساحل البحر الأحمر . ٤ - تأثر النص بأسلوب الكتاب المقدس بعهديه القديم
والجديد ، . وأن أكثر اللغات التى تأثر بها النص هى اللغة العربية تليها اللغة العبرية ثم اللغة
اليونانية ثم اللغة الأمهرية .

Mecellelu Külliyesi'l-Adâb [Camiatü'l- Kahire],
Cild 58, Aded 3, 1998 Kahire, s.....

يقع هذا البحث فى أربعة أبواب ، يضم الباب الأول أربعة فصول تتناول حالة الحبشة
السياسية والعسكرية تحت حكم جلاوديوس ، والصراع العسكرى بين المسلمين والمسيحيين فى
الحبشة وكيف سيطرت روح الكراهية والتعصب عند الأحباش ضد المسلمين ، ودور الأتراك
العثمانيين فى هذه الأحداث ومحاولتهم السيطرة على ساحل البحر الأحمر كاملا ومنافسة
البرتغاليين فيه ، ووجود البرتغاليين فى الحبشة ومساندتهم العسكرية للأحباش وإدخالهم
للأسلحة النارية لأول مرة فى الحبشة .

ويضم الباب الثانى أربعة فصول كذلك تتناول الصراع الدينى بين المسلمين والمسيحيين
فى أثيوبيا وكيف حاولت الحبشة على مر العصور استئصال المسلمين من الحبشة بشتى الوسائل
، كما يتناول الصراع الدينى بين المذاهب الأرثوذكسى المتمثل فى الحبشة والمذهب الكاثوليكي
المتمثل فى البرتغاليين ومحاوله البرتغاليين فرض مذهبهم على الأحباش ، وجهود الأحباش فى
الدفاع عن مذهبهم بل جهود الامبراطور جلاوديوس نفسه فى هذا الدفاع وتأليفه لرسائله
الاعتراف بالإيمان والآثار الدينية المترتبة على وجود البرتغاليين فى الحبشة .

ويضم الباب الثالث ثلاثة فصول تتناول ترجمة النص الحبشى كاملا مع التعليق عليه
والمضامين العامة للنص كذلك المفارقات بين الترجمتين العربية والفرنسية .

يضم الباب الرابع فصلين ويقدم دراسة لغوية للنص وذلك من حيث دراسة أهم الخصائص
اللغوية والأدبية للنص ، وأخيرا دراسة أهم اللغات التى تأثر بها النص وهى : العربية ،

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

30 EYLÜL 2000

kaknüs yayınları: 46
gezi serisi: 1

isbn: 975-6963-35-2

I. basım
istanbul
nisan, 1999

kitabın adı: *habeş seyahatnamesi*
yazarı: *sâdik el-müeyyed*

editör: serkan özburun
dizi editörü: n. ahmet özalp
iç düzen: betül biliktü
cilt: dilek mücellit
kapak ve iç baskı: mir matbaası
kapak düzeni: mustafa saldamlı&kaknüs ajans

kaknüs yayınları
kızkulesi kültür merkezi
selman ağa mah. selami aliefendi cad., no:11 üsküdar, ist.
tel: (0 216) 341 08 65 452 59 75
faks: (0 216) 334 61 48

19 KASIM 1999

Habeş Seyahatnamesi

Yayına Hazırlayan
MUSTAFA BAYDEMİR

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi Yavuz ARGIT Bölümü	
Dem.No.	100060
Tas.No.	9104 500.4

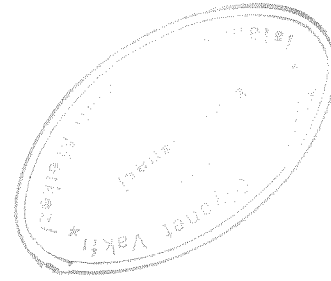
وطول الساحل الغربي للبحر الأحمر ٢٢٠٠ كم، أما الساحل الشرقي فيمتد من العقبة شمالاً إلى عدن جنوباً، ويُضاف إليه مكملته الساحل العربي للخليج حتى البصرة بالعراق. (٢)

وكان للعرب نشاط كبير في هذا البحر، وعن طريقه كانوا ينتقلون للجانب الأفريقي من هذا البحر ونشير بالذات إلى أن التجار اليمنيين والحجازيين كانت لهم علاقات تجارية مع الحبشة، وأدت هذه العلاقات إلى هجرة جماعات من عرب شبه الجزيرة العربية إلى السهول المحيطة بهضبة الحبشة، نذكر منهم على وجه الخصوص جماعة من قريش هاجروا إلى جبرت (أوفات) وسُموا بعد ذلك بالجبرية، وقد قام هؤلاء بإنشاء أول دولة إسلامية في الحبشة، وأخذ نفوذهم يتسع حتى نجحوا في القرن الثامن الهجري في تأسيس سبع ممالك زاهرة سُميت (ممالك الطراز الإسلامي)، وقد تحدث عنهم كثيرون من المؤرخين المسلمين. (٣)

وقد احتكر العرب الملاحة في البحر الأحمر طوال العصور الوسطى وأوائل العصور الحديثة، وكانت سفنهم التجارية تخترقه حاملة بضائع الشرق التي تصل إلى السويس ومنها تُنقل براً - قبل شق قناة السويس - إلى موانئ البحر المتوسط ومنها إلى أوروبا.

وأدى النشاط البحري للبرتغال منذ القرن التاسع الهجري (الخامس عشر الميلادي) إلى كشف طريق رأس الرجاء الصالح في أواخر هذا القرن، ووصولهم إلى سواحل أفريقية الشرقية ومهاجرتهم الإمارات العربية التي كانت قد قامت على الساحل الشرقي للقارة من زمن بعيد. (٤)

وبوصول البرتغال إلى شرق القارة، ودخولهم مياه المحيط الهندي حققوا هدفهم الأساس من الوصول إلى تجارة الشرق، وسقطت في أيديهم معظم الإمارات العربية على الساحل الأفريقي، وبعد ذلك اتجهوا لساحل الجزيرة العربية والخليج، فهاجموا مسقط، وهرمز، وعدن.



ولاية الحبش العثمانية بين إيالة جدة، والإدارة المصرية (١٢٣٤ - ١٢٠٣هـ) - (١٨١٨ - ١٨٨٥م)

د. شوقي عطاالله الجمل
أستاذ التاريخ الحديث والمعاصر
بجامعة القاهرة

مقدمة: يتميز البحر الأحمر بين بحار العالم بموقعه الفريد، وهو عبارة عن حوض شريطي الشكل يفصل بين كتلتين من القشرة الأرضية هما شبه الجزيرة العربية، وشمال أفريقيا. وقد كان منذ أقدم عصور التاريخ شرياناً حيوياً مهماً للمواصلات بين قارات العالم القديم، كما لعب في العصر الحديث دوراً واضحاً في اتجاهات الدول الكبرى وسياستها.

وتطل على البحر الأحمر عشر دول هي: اليمن، والمملكة العربية السعودية، والأردن، وفلسطين في آسيا - ومصر والسودان، وإثيوبيا، وجيبوتي، والصومال في أفريقيا - أي من هذه الدول الآسيوية والأفريقية ثمانية دول عربية (١).

MADDE YANLIK BODIKTAN
SONRA GELER DUKÜMAN

BIBLIOGRAPHY

Bloch, E., *Le Culte d'Aphrodite-Anahita chez les arabes du paganisme*, 1902, p. 27ff.
Encyclopaedia Britannica, Vol. XXVI, pp. 75, 76.
Encyclopaedia of Islam Vol. I, (Arabs).
 Forster, *Historical Geography of Arabia*, Vol. II, pp. 90-3.
 Horovite, J., *Koranische Untersuescheungen*, Berlin-Leipzig 1926, p. 125f.
 Husain, Kamil, *Le Personnalisme Musulman*, Paris, 1964.
 Jawād 'Alī, *Ta'rikh al-'Arab kabl al-Islām*, Baghdad, 1951, pp. 230-7.
 Loth, O., *ZDMG*, 1881, p. 622ff.
 Smith, Jane I., *An Historical and Semantic Study of the Term Islām as Seen in a Sequence of Qur'ān Commentaries*, Harvard Dissertations in Religions I, Missoula, 1975.
 Sprenger, A., *Das Leben und die Lehre des Mohammad*, I, pp. 505-18.
 Wensinck, Arent Jan, *A Handbook of Early Muhammadan Tradition: Alphabetically Arranged*, Leiden, E.J. Brill, 1960.

AHMAD ALI

Afar ✓

Tribe of Abyssinia, Ethiopian and Horn

Among the least-known people in the eastern Horn of Africa are tribal Muslim who call themselves Afar, better known to outsiders by their Arabic name, Danakil, or their Amharic name, Adal. Their forbidding desert home land and their reputation for ferocity (it is widely reported that an Afar male cannot be considered an adult until he has killed an enemy) prevented successful exploration of their country by Europeans until the early 1930s.

The 55,000 square-mile territory occupied by the Afar, the so-called Afar Triangle, includes the eastern low land desert parts of the Ethiopian provinces of Shoa, Wollo and Tigre, as well as northern Harar Province, southern Eritrea and the country of Jibouti (formerly the French Territory of the Afars and the Issas). Within this area lies some of the grimmest desert in the world, including the Danakil Depression, a vast plain of salt pans and active volcanos, which in parts is more than 300 feet below sea level and the hottest place on earth. Population estimates for

the Afar vary, but a reasonable estimate is that 375,000 Afar live in Ethiopia, while another 120,000 are found in Jibouti.

Although they claim descent from Arabs—their most celebrated mythic ancestor being Har-al-Mahis, a Yemeni—the Afar speak an eastern Cushitic language. Beneath their universally professed adherence to Sunni Islam, remnants of Cushitic animist cults persist.

Some coastal Afar are fishermen, but most are pastoral nomads herding, in varying proportions depending on the terrain, sheep, goats, cattle and camels. Afar nomads live in camps called *burra*, generally made up of kinsmen by blood, or marriage. Descent is patrilineal. The portable tortoise-shaped palm-mat houses (*ari*) of the camps are generally surrounded by thorn palisades as a deterrent to predators, both two- and four-legged.

Like their Somali neighbours to the south the Afar often graze their camels at some distance from the main camp in the care of young warriors, while the rest of the group remain closer to water sources with the less hardy livestock. Afar do not appear to migrate widely with their herds and instead try to stay near assured water supplies.

Although they have been increasingly controlled by national governments, traditionally the Afar were divided into four paramount sultanates—Tajoura and Raheito in Jibouti and Aussa and Biru in Ethiopia—each of which was in turn composed of smaller confederate chiefdoms. Afar overlords had powers of taxation, but their main role was as arbiters of disputes over grazing and water rights. Beyond the areas of immediate control by the chiefs, Afar society seems to be fairly egalitarian. However, throughout Afar territory a distinction is drawn between *Asayahamara* (the 'red ones') and *Adoyahmara* (the 'white ones'). In some cases, the terms appear to apply to the descendants of different apical ancestors and in others to status difference within a descent group.

This distinction may ultimately have an ecological basis in that the 'whites' traditionally predominated in the saline coastal areas while the 'reds' were more numerous in the reddish-soil deserts of the hinterland. Although the two sectors today

ولكن ببطء ثم اخذ يشق طريقه إلى داخل البلاد بواسطة المسلمين من الأحباش الذين اسلموا على أيدي العرب .

ويقول ارنولد arnold ان أربعة وأربعين عربياً من حضرموت وفدوا إلى الحبشة وقاموا بالدعوة الإسلامية في بلاد الصومال وأن احدهم ويدعى الشيخ أبو زرباي سار إلى مدينة هرر سنة ١٤٣٠ ميلادية ودعا الناس إلى الإسلام فاسلم على يديه خلق كثير .

وازداد عدد المسلمين فكونوا جبهة وزحفوا على هرر سنة ١٥٢١ ميلادية بقيادة ابي بكر بن محمد سلطان عدول واستولوا عليها ونشروا الإسلام فيها .

ونهب أحمد بن إبراهيم من ابناء مدينة هرر وغزا الجلا وسائر القبائل التي تجاور مدينة هرر . ومنها زحف إلى عند فالكسوم ولقد خالفه النصر في جميع غزواته وانضم تحت لوائه عدد كبير من زعماء الاحباش واعتنقوا الإسلام . وقد قتل في ميدان الحرب عام ٩٥٠هـ .

وتمكنت طائفة من التجار المسلمين من أهالي تكرررو بالسودان من الانتشار في شتى بقاع الحبشة وهؤلاء ساعدوا إلى حد ما في نشر الإسلام .

وليس من شك ان اشتغال المسيحيين في الحبشة بالخلافات المذهبية ساعد الإسلام على التوسع والانتشار في الأراضي الحبشية .

ولما قام محمد أحمد المهدي بحركته وغزا كردفان ودارفور وبحر الغزال وسنار والخرطوم أرسل أحد اتباعه ويدعى محمد جبريل في الحبشة لنشر الإسلام ولقد نجح في دعوته إذ اسلم على يديه خلق كثير منهم شقيقة الملك يوحنس وقد تزوجت احد الأمراء المسلمين الأمر الذي أغضب الملك فأخذ يضطهد المسلمين ويذيقهم ضرباً من الأذى حتى اضطر كثير منهم للهجرة إلى السودان، «كما ورد في مجلة رابطة العالم الإسلامي» .

كتاب الحج في ثلاث مجلدات، وعليه حواش متعددة أيضاً، طبع على الحجر في إيران عدة مرات، آخرها سنة ١٣٢٢هـ، وقد حققته ونشرته مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث سنة ١٤١٠هـ في ٨ أجزاء .

والحاشية هذه اقتصرت على كتابي الطهارة والصلاة فقط، وتشتمل على فوائد جليلة ومزايا علمية فريدة: التحقيقات الرجالية واللغوية، تحديد مباني الشارح الفقهية والأصولية ومناقشتها، استدراقات لما غفل عنه أو تركه من فروع فقهية، كثرة التفريعات، استقصاء للروايات، جمع وجوه الاستدلال، وغيرها .

حبل المتين

جريدة إيرانية صدرت سنة ١٣١١هـ (١٨٩٣م) في كلكتا بالهند وبلغت شهرة كبيرة في مهاجرتها للظلم والتعسف والاستبداد، وساعدت على قيام ثورة الدستوريين والدفاع عنهم وعن مكاسبهم، ولم تتوقف عن الدعوة إلى الحرية والقانون كما فعلت بقية الصحف بعد أن دك الحكام مبنى المجلس النيابي، وإعادة سيطرتهم على الأوضاع وتابعت حملتها عليهم، وحث الشعب وخاصة رجال الدين منهم على الثورة .

الحبشة

- ١ -

الإسم الذي اطلقه العرب على الإقليم الذي يطل على البحر الأحمر ويواجه اليمن واختلفت حدوده باختلاف العصور . وهو ما يعرف بـ «اثيوبيا» . قام فيها انقلاب عسكري يساري على الامبراطور هيلاسلاسي ظل حكمه سائداً حتى اليوم . وكان قد قام بينها وبين اريتيريا اتحاد فدرالي سنة ١٩٥٢ ولكن لم يلبث هيلاسلاسي ان ألغى الاتحاد وأعلن ضم اريتيريا إلى الحبشة، فقامت في اريتريا ثورة مسلحة للانفصال لا تزال مشتتة حتى الآن . وعن انتشار الإسلام في الحبشة نذكر ما يلي :

اخذ الإسلام ينتشر في المناطق الشرقية للحبشة

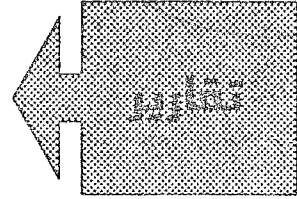
أ. كامل أبو بكر الشريف

Habeş

باحث من اثيوبيا



تاريخ ما أهمله التاريخ الإسلامي في الحبشة (أثيوبيا)



ومبلغ علمنا أنه لم تجر حتى الآن دراسات وبحوث جادة عن تاريخ وأوضاع المسلمين، وواقع المسلمين قديما وحديثا في الحبشة - أثيوبيا - لأسباب أهمها ندرة المراجع المحايدة الناتجة عن الإهمال والتعتيم المتعمد للموضوع في كتب التاريخ، والجهل التام بالآثار الإسلامية العريقة والحياة في الحبشة، والملاحم البطولية التي خاضها المسلمون في الحبشة وفي أفريقيا، والنضال المستمر من أجل الحفاظ على دينهم وكيانهم الإسلامي، وتصديهم للهجمات الصليبية الشرسة في الماضي، ومن مكائد الصليبية في هذا العصر، في عزلة تامة عن إخوانهم المسلمين المحيطين بهم.

أن ظهروا الإسلام في الحبشة، وتغلغله العميق في جميع أرجائها، وكذلك دخول الإسلام في أفريقيا، لمن الأمور التي أهملها التاريخ، عدا نبذة يسيرة عن ممالك الطراز الإسلامي في المنطقة، مر عليها بعض المؤرخين العرب من الكرام في العصور الوسطى، وبعض الفقرات المشبوهة في كتب الرحالة والمؤلفين الغربيين الذين كان همهم الأكبر إبراز الوجه المسيحي للحبشة، ومكانتها كقلعة مسيحية مهمة وسط بحر من الشعوب والبلدان الإسلامية، وبعض الكتب التي صدرت للمؤلفين العرب الذين اتخذوا مؤلفات الغربيين كمرجع لبحوثهم.